آینه‌های روبه‌رو

اومبرتو اکو:

دروغ گفتن کاری انسانی است

حسین عیدی‌زاده

■ **گاردین:** اومبرتو اکو، نویسنده «نام گل سرخ» معتقد است، مردم دیگر حوصله چیزهای ساده را ندارند و دروغ گفتن کاری انسانی است. اومبرتو اکو در بخشی از تور ۲۰روزه معرفی کتاب جدیدش به نام «گورستان پراگ» به بریتانیا رفته است، شهری که می‌گوید دیگر آن را «به‌جا» نمی‌آورد. او که فیلسوف، نشانه‌شناس، رمان‌نویس، کتاب‌دوست و متفکر است می‌گوید: «عذابم به پایان رسیده است.» اکو ژانویه امسال ۸۰ ساله می‌شود و با توجه به این عذاب «خوب مانده است» این روزها برای نشستن کمی مشکل دارد، اما همچنان سرزنده و شاداب است، صدایش بلند است و انگلیسی را غیرمتعارف حرف می‌زند. گاهی به این دلیل که اصطلاحات مرا متوجه نمی‌شود گفت‌وگو متوقف می‌شود. وقتی می‌گویم برخی منتقدان معتقد هستند «گورستان پراگ» بازگشت به فرم است، متوجه حرفم نمی‌شود چون به نظر او «فرم یک مهارت است نه عبارتی ادبی» به هر حال ما دعوا می‌کنیم. «فیلی که حالا در اتاق کوچک ما گیر افتاده است» کتاب جدید اوست که نه بازگشتی به فرم است نه ادبی است و نه جلوه‌گاه مهارت. ماجرای کتاب در نیمه دوم قرن نوزدهم می‌گذرد و داستان سیمون سیمونینی، جاعل، قاتل و شروری است که ردپایش در تمامی اتفاقات مهم آن دوران دیده می‌شود. اتفاقات تاریخی مثل اتحاد ایتالیا، جنگ فرانسه و پروس، کمون پاریس و ماجرای دریفوس است که زمینه یک فرصت کتاب‌خوانی را هرچند دشوار (در زبان انگلیسی) فراهم می‌کند و البته ممکن است خواندن کتاب به زبان اصلی ایتالیایی دشوار نباشد.

کتاب مطمئنا بازگشت اکو به موضوع مورد علاقه‌اش است: «توطئه» سیمونینی کسی است که کتابچه‌ای توطئه‌آمیز در اوایل قرن بیستم نوشت، کتابی که چاپش در روسیه بسیاری را گمراه کرد. کتابچه‌ای که هیتلر بارها به آن اشاره کرده و این کتاب توطئه‌آمیز سراسر دروغ است. توطئه یکی از مضامین محبوب اکو بوده است، رمان دومش «آونگ فوکو» بر پایه یک توطئه بنا شده است. خودش می‌گوید: «به عنوان یک استاد دانشگاه من شیفته فلسفه زبان یا نشانه‌شناسی یا هرچه دوست دارید نامش را بگذارید هستم، یکی از ویژگی‌های اصلی زبان انسان امکان دروغگویی است. سگ دروغ نمی‌گوید. وقتی واق‌واق می‌کند، یعنی چیزی آن بیرون هست.» حیوانات دروغ نمی‌گویند، اما انسان‌ها چرا. «فاصله دروغ تا جعل خیلی زیاد نیست، من مقالات علمی و فنی در مورد منطق جعل و تاثیر آن بر تاریخ نوشته‌ام. معروف‌ترین و خطرناک‌ترین این جعل‌ها «تفاهم‌نامه‌ها» هستند.»

اکو می‌گوید، این توطئه‌ها نیستند که او را مجذوب می‌کنند بلکه ترسی که پدیدارشدن آنها را موجب می‌شوند برای او جالب هستند. «توطئه‌های بسیار کمی در تاریخ هست و از اغلب آنها هم پرده برداشته شده است. اما وحشت از توطئه جهانی بسیار قدرتمند است چراکه جاودان است. وسوسه روانی نوع انسان است. کارل پوپر مقاله زیبایی در این مورد نوشت و در آن گفته بود این وحشت با هومر شروع شد. به همین دلیل است که دیکتاتورها از مقوله توطئه جهانی به‌عنوان یک سلاح استفاده می‌کنند.» اکو پیش از نوشتن اثری داستانی چهره‌ای معروف در دنیای تفکر بود، یک اتفاق پای او را به نوشتن داستان باز کرد، او پیشنهاد نوشتن یک رمان پلیسی را رد کرد، اما وسوسه نوشتن یک اثر داستانی رهایش نکرد. به قول خودش: «همه جرقه‌های ذهن من روایی هستند. در ۱۰ یا ۱۲ سالگی داستان کوتاه و مقدمه رمان می‌نوشتم. بعد با نوشتن مقالات اشتهای روایی خودم را برطرف می‌کردم. تمامی تحقیقات من ساختار داستان پلیسی دارند.» «نام گل سرخ» اکو را به رمان‌نویسی بزرگ بدل کرد، اما از طرفی یک معیار بسیار سخت برای آثار او شد. «گاهی می‌گویم از «نام گل سرخ» متنفر هستم چون برخی کتاب‌های بعدی‌ام بهتر بودند اکو خودش را متفکری می‌داند که خودش را زیادی جدی نمی‌گیرد. زندگی مثل یک کتاب داستانی است یک بازی شگفت‌انگیز. اغلب گفته می‌شود اکو «سارق ادبی» است و آثارش را براساس کتاب‌های دیگران می‌نویسد. همین «گورستان پراگ» بسیار شبیه آثار الکساندر دوماست و البته رد بسیاری رمان‌های قرن نوزدهم در آن دیده می‌شود. اکو کاری به این حرف‌ها ندارد، او از بچگی عاشق کتاب بوده است. او در شهر آلساندریا در شمال ایتالیا بزرگ شده است. والدینش «خرده‌بورژوا»هایی بودند که چندان با کتاب رابطه نداشتند. اما مادربزرگش اهل کتاب بود و اکو از همان زمان کتابخوان شد و هنوز هم بسیار می‌خواند. دو کتابخانه او در میلان و ریمینی خانه مشترکش با همسر آلمانی‌تبارش رناته رامگه هستند. ۵۰هزار جلد کتاب در این دو کتابخانه است. او کتاب‌هایش را «راهرو فکر» می‌خواند و اخیرا نامه‌ای عاشقانه و بلند نوشته است و در آن «کتاب چاپی» را ستوده است، البته این به این معنا نیست که او از تکنولوژی فراری است. او در سفرهایش به جای حمل چمدانی کتاب یک آی‌پاد همراه خود دارد با ۳۰ کتاب دانلودشده روی آن. اکو خوشبین است، دلش جوان است و به همه چیز علاقه دارد، در مورد بادام‌زمینی همان‌طور حرف می‌زند که در مورد مارسل پروست. «اغلب رمان‌نویس‌ها از استادان دانشگاه عمر درازتری دارند، مگر اینکه امانوئل کانت یا جان لاک باشی. متفکران مهم ۵۰سال پیش همگی فراموش شده‌اند».

نگاه هنرمند

هشدار نسبت به یکنواخت شدن فضای موسیقی

موسیقی ما متولی خاصی ندارد

محمدجلیل عندلیبی
سرپرست گروه مولانا

چند صباحی است کشمکش میان اهالی موسیقی بالا گرفته است. این کشمکش‌ها گاه دلایل مادی دارد و گاه دلایل شخصی و سلیقه‌ای. به جایی رسیده‌ایم که هنرمندان موسیقی یکپارچگی خود را از دست داده‌اند و عرصه به دست «میان‌مایه‌ها» افتاده است. بدیهی است که این کشمکش‌ها به نفع هیچ‌کس نیست. معتقدم دلیل اصلی ظهور این فضا، عدم وجود متولی در موسیقی است؛ ضمن اینکه مسایل مالی هم در این میان بی‌تاثیر نیست. متاسفانه موسیقی ما متولی خاصی ندارد. هنوز تکلیف موسیقی مشخص نیست و از داشتن پدری مهربان که ریش‌سفیدی کند و به اختلاف‌هایمان پایان دهد، محروم هستیم. قطعا این کشمکش‌ها و نقدهای منفی وضع موسیقی را از اینکه هست بدتر می‌کند. اگر بخواهیم عمیق‌تر و دقیق‌تر نگاه کنیم، این کشمکش‌ها سابقه‌ای چند ساله دارد؛ هر چند این روزها شاهد شدت یافتن آنها هستیم.

از طرف دیگر، اوضاع موسیقی در شرایط حاضر چنگی به دل نمی‌زند. موسیقی ما چه در ساز و چه آواز نزول فراوانی کرده است. به نظر من در حال حاضر علت یکنواخت شدن موسیقی این است که موسیقی از اصالت خود خارج شده. تلقی موجود از موسیقی هم، عجیب است. آهنگساز زحمت می‌کشد و قطعه‌ای را می‌نویسد، آن وقت خواننده معروف می‌شود.

موسیقی ایران تا اوایل دهه ۷۰ در اوج و شکوه بود و کارها همه اصیل و هنرمندانه بودند. این روزها موسیقی بیشتر تبدیل به آلودگی صوتی شده است. از هویت ملی و اصالت موسیقی ایرانی خبری نیست. کسی می‌رود از موسیقی هند سرقت می‌کند و نامش را موسیقی عرفانی می‌گذارد. کارهای خوبی هم البته وجود دارد اما درصد آن به‌نسبت دهه ۷۰ بسیار پایین‌تر است. در واقع می‌شود گفت، موسیقی ما در حال حاضر در عصر هرج‌ومرج به سر می‌برد. اصل موسیقی به معنای آرامش و غذای روح است. موسیقی یعنی صلح و آرامش؛ اما اینها از بسیاری از موسیقی‌های روزگار ما برداشت نمی‌شود و ظاهری متشنج دارد و اصلا آرامش‌بخش نیست. به آدم احساس جنگ دست می‌دهد. مثل ساز احمد عبادی و جلیل شهناز نیست.

من از دست‌اندرکاران موسیقی هم گلایه‌مندم. یکی از گلایه‌های همیشگی‌ام این است که چرا جلو قاچاق موسیقی گرفته نمی‌شود؟ چرا باید امثال من ترس از این داشته باشیم که نتوانیم اثرمان را به بازار عرضه کنیم، صرفا به این دلیل که اثر هنوز به بازار نیامده با کپی سریع منتشر می‌شود.

متولیان باید از ما حمایت کنند. دولت باید از پیشکسوتان عرصه موسیقی حمایت کند. عدم حضور پیشکسوتان در عرصه موسیقی سبب می‌شود که خود مردم ضرر کنند و جامعه دچار افسردگی شود.

تکرار می‌کنم: موسیقی غذای روح است؛ جامعه باید با موسیقی مردم را شاداب کند و امید بدهد. حیف است کلی سرمایه خرج شود تا هنرمندانی چون پرویز مشکانیان به بار بنشینند، اما قدر آنها را بعد از مرگشان بدانیم.

برنامه‌های عزاداری در رسانه ملی

شرق: درحالی‌که حجت‌الاسلام سیدمحمد سادات منصوری، رییس مرکز پاسخگویی به سوالات دینی سازمان تبلیغات اسلامی در رابطه با ایجاد جذابیت در برنامه‌های محرم برای تبدیل شور حسینی به شعور از مسوولان رسانه ملی پیشنهاد داده در دو روز عاشورا و تاسوعا برفک پخش کند تا مردم به عزاداری بپردازند؛ برنامه‌سازان شبکه‌های مختلف سیما برای سال‌جاری هم برنامه‌هایی را برای نمایش از شبکه‌های مختلف آماده کرده‌اند. هرچند که با گذشت چهار روز از آغاز محرم سال ۱۴۳۳ قمری و آغاز بعضی از این فیلم‌ها هنوز مجموعه‌ای که ببینندگان را پای جعبه جادو بکشاند پخش نشده است.

مجموعه‌های تلویزیونی ایام محرم با اینکه همیشه در سکوت و به دور از هیاهوهای مجموعه‌های مناسبتی پخش شده، اما تجربه ۱۰ساله ببینندگان رسانه ملی آثار قابل تاملی چون سفر سبز، شب دهم و پریدخت را در این ایام دیدند. مجموعه‌هایی که با محور قراردادن موضوعات مذهبی و آموزه‌های دینی داستان‌های به یادماندنی را خلق کرده بودند. شب دهم به کارگردانی حسن فتحی با بازی متفاوت حسین یاری، کتایون ریاحی و رویا تیموریان یکی از نخستین مجموعه‌های مناسبتی ایام محرم بود که همزمانی آن با ایام نوروز آن را به‌عنوان یک مجموعه نوروزی هم رده‌بندی کرد. این مجموعه با دستمایه قراردادن واقعه ممنوعیت تعزیه در دوره پهلوی اول، روایت عاشقانه و پلیسی دیدنی‌ای را از ده روز ماه محرم به تصویر کشیده بود. این مجموعه از آثاری است که در سال‌های اخیر از جمله همین امسال از رسانه ملی پخش می‌شود.

سفر سبز، مجموعه دیگری بود که حسین لطیفی با بازی پارسا پیروزفر، امین تارخ و لادن مستوفی موفق شد نظر مخاطبان را به خود جلب کند. این مجموعه که برای بار دوم امسال از شبکه جام‌جم در حال پخش است داستان پسر جوانی است که بعد از سال‌ها به دنبال پدر و مادرش به ایران باز می‌گردد.

پریدخت سامان‌مقدم مجموعه دیگری بود که لیلا حاتمی و علی مصفا را در روایتی از جریان کشف حجاب مقابل هم قرار داد. این مجموعه اگرچه نتوانست به اندازه شب دهم موفق باشد اما اثری درخور تامل بود.

تا رهایی در مسیر سبز

شبکه ملی یا همان شبکه اول امسال زودتر از شبکه‌های دیگر به استقبال محرم رفت و چند روز مانده به آغاز محرم مجموعه مناسبتی تا رهایی را به روی آنتن فرستاد. این مجموعه با مضمونی پلیسی ماجرای قرص‌های روانگردان را محور مجموعه خود در میان روایت‌های مذهبی قرار داده است. این مجموعه درباره چمدانی حاوی قرص‌های روانگردان است که در فرودگاه با یک چمدان دیگر سهوا عوض می‌شود و همین جابه‌جایی ماجراهایی خلق می‌کند. سعید نیک‌پور، حسن جوهرچی، روناک یونسی و جعفر دهقان و کیوان محمودنژاد بازیگران این مجموعه هستند که فلورا سام آن را نوشته و حسین تبریزی جلو دوربین برده است.

از سعادت‌آباد تا فرات

مازیار میری که این روزها اکران فیلم پرمخاطب سعادت‌آباد را روی پرده سینماها دارد، مجموعه تلویزیونی «فرات» را به تهیه‌کنندگی محمدعلی اسلامی برای شبکه دو آماده کرده است. این سریال ۱۰ قسمتی را علی‌اکبر محلوجیان نوشته و امیر عربی آن را بازنویسی نهایی کرده است. محلوجیان نگارش مجموعه‌های «زیر تیغ» و «مثل هیچ‌کس» را در کارنامه دارد. «فرات» داستان دو دوست قدیمی را به تصویر می‌کشد که بر اثر حادثه‌ای رفاقت دیرینه آنها جای خود را به دشمنی می‌دهد به گونه‌ای که آن دو را رودرروی یکدیگر قرار می‌دهد.

همه لوکیشن‌های این سریال در تهران با بازی اکبر زنجان‌پور، حسن پورشیرازی، گوهر خیراندیش، فریبا جدی‌کار، حمید ابراهیمی، رامین راستاد، نفیسه روشن، شیوا ابراهیمی، روح الله کمانی، نازآفرین کاظمی، سارا بهرامی و علی مرادی فیلمبرداری شده است.

محرم در شبکه‌های دیگر

سریال «وصال» به تهیه‌کنندگی سیروس صادقی و کارگردانی علیرضا عارفی برای شبکه‌های تلویزیونی ساخته شده است. داستان این مجموعه مربوط به تیمور و باجناقش شریفی است که به دلیل مسایل مالی و ظاهرسازی با هم در رقابت هستند. این رقابت باعث می‌شود در ایام محرم بین اعضای خانواده دودستگی و درگیری ایجاد شود. شبکه قرآن و معارف سیما نیز خلاصه مجموعه «مختارنامه» را در ۱۰ قسمت برای بینندگان خود در نظر گرفته است. مجموعه نمایشی «سرگشته»، مجموعه‌ای ۱۰ قسمتی است که به حکایت زندگی عبیدالله ابن حر جعفری می‌پردازد که در جدول پخش برنامه‌های این شبکه قرار دارد. شبکه دوم سیما نیز برنامه‌های عزاداری کودکان و نوجوانان را پوشش می‌دهد، این شبکه برنامه‌های معمول خود را نیز با محوریت ماه محرم به مخاطبان خاص خود ارایه می‌کند. در کنار برنامه‌های نمایشی، شبکه سوم سیما برنامه‌هایی را به صورت زنده از حرم مطهر امام‌حسین(ع) پخش خواهد کرد که از «زیارت وارث»، «سوگواری شیعیان حسینی در کربلای معلی» و سایر ادعیه، علاوه بر آن مراسم «شیرخوارگان حسینی» که در سطح کشور برگزار می‌شود را پوشش زنده تصویری خواهد داد.

پارسایی هم استعفا داد

«حسین پارسایی»، مدیرعامل بنیاد رودکی از سمت خود در این بنیاد استعفا کرد. به گزارش فارس گفته می‌شود، دلیل استعفای وی هم همانند محمد حیدری و حسین مسافرآستانه، اختلاف سلیقه با معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است.

اجرای کیهان کلهر در موزه متروپولیتن

شرق: کیهان کلهر، نوازنده نام‌آشنای ایرانی از اجرای موسیقی در موزه متروپولیتن نیویورک خبر داد. بنا بر این گزارش، وی بعد از پایان اجراهایش در اروپا قرار است در تاریخ ۲۸ ژانویه ۲۰۱۲ (هشتم بهمن ماه) در نیویورک روی صحنه برود. به گفته این نوازنده کمانچه، این اجرا به صورت انفرادی خواهد بود.

تهمینه میلانی استعفا داد

شرق: تهمینه میلانی از هیات داوران چهل و دومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم هند در گوا استعفا داد. میلانی دلیل کناره‌گیری از داوری در جشنواره فیلم هند را اعتراض به حضور داور اسراییلی و همدلی با مردم فلسطین عنوان کرد. مصاحبه او در حاشیه این جشنواره با واکنش‌هایی همراه بود.

افتخاری تازه برای هنرمندان تجسمی ایران

شرق: با نزدیک شدن به روزهای پایانی سال میلادی، موسسات و نهادهای هنری دنیا اقدام به انتشار رتبه‌بندی‌های مختلف در زمینه جایگاه هنرمندان برتر می‌کنند. به تازگی دو موسسه آرت‌پرایس و فیاک مستقر در پاریس، گزارش سالانه آمار هنرمندان پرفروش و موفق سال ۲۰۱۱ را منتشر کرده‌اند که از نکات مهم آن، به چشم خوردن اسامی فرهاد مشیری، افشین پیرهاشمی و رضا درخشانی در این فهرست است. «آرت پرایس» مهم‌ترین مرجع مارکت هنر در جهان و «فیاک» موسسه نمایشگاه‌های بین‌المللی پاریس گزارش سالانه خود را با محوریت نقاشی، مجسمه، ویدیو و عکاسی معاصر (Contemporary) جهان منتشر کردند و از نکات جالب توجه در این گزارش آن است که برای سومین سال پیاپی به جایگاه در حال رشد هنر ایران در عرصه منطقه و جهان اشاره شده است. مبنای آرت پرایس و فیاک برای این رتبه‌بندی، حجم فروش آثار هنرمندان معاصر حد فاصل ژوییه ۲۰۱۰ تا ژوئن ۲۰۱۱ بوده است و در عین حال، بیشترین رقم حاصل از چکش خوردن آثار این هنرمندان هم در این رتبه‌بندی دخیل بوده است. طبق این رتبه‌بندی فرهاد مشیری در جایگاه ۷۴، افشین پیرهاشمی در جایگاه ۲۵۱ و رضا درخشانی در جایگاه ۴۳۷ قرار دارند. در صدر این رتبه‌بندی نام‌هایی چون ژان میشل باسکیه، فان ژای ژینگ، جف کونز، تاکاشی موراکامی، وای فای چن، ریچارد پرنس، دیمن هرست و انسلم کیفر دیده می‌شود.

این رتبه‌بندی صرفا به هنرمندان معاصر اختصاص دارد و از این رو هنرمندان مدرنیست ایرانی چون پرویز تناولی، محمد احصایی، سهراب سپهری، حسین زنده‌رودی و دیگران در این رتبه‌بندی نمی‌گنجند. سه هنرمند برگزیده، نه‌تنها جایگاه قابل قبولی در هنر خاورمیانه کسب کرده‌اند، بلکه در خارج از مرزهای خاورمیانه هم درخشش خاصی داشته‌اند. در این میان، قرارگیری نام افشین پیرهاشمی هنرمند ۳۷ساله ایرانی در این رتبه‌بندی آن هم برای سومین سال پیاپی، گویای اهتمام و توجه ویژه مجموعه‌داران و کارشناسان هنر دنیا به آثار هنرمندان جوان است. هاله خیاط کارشناس هنر ایران، عرب و ترکیه موسسه کریستیز، ضمن اشاره به این جایگاه روبه‌رشد به شرق می‌گوید: «افشین پیرهاشمی در ۳۷سالگی به چهره‌ای قابل اعتنا در هنر معاصر ایران بدل شده است. دو رکورد نیم‌میلیون‌دلاری او در حراج‌های سال ۲۰۱۰ و رکورد ۱۶۰ هزار دلاری او در حراج اکتبر کریستیز ثابت کرد جوانان ایرانی پرتوان‌تر از قبل به حیات هنری خود ادامه خواهند داد.» همچنین دکتر ایان رابرتسون، کارشناس بین‌المللی هنر، تحولات هنر ایران را فراتر از انتظار می‌داند و می‌گوید: «با اینکه آثار هنرمندان رکورددار ایرانی طی دوران رکود مالی بازارهای جهانی با کاهش قیمت مواجه شد، اما این مارکت به سمت نوعی شرایط امن در حال حرکت است و از این نظر، باید منتظر اخبار خوشی برای هنر ایران بود.»

۱۲۰ فیلم با پروانه ساخت تولید نمی‌شوند

شرق: تعطیلی چهار پروژه سینمایی، آن‌هم در آستانه فیلمبرداری باعث شد تا بخش اعظم مذاکرات این هفته شورای‌عالی تهیه‌کنندگان به مشکلات فراروی تولید فیلم‌های سینمایی و تبعات آن اختصاص یابد. دو فیلم در آستانه فیلمبرداری و دو فیلم دیگر پس از ۷۰ و ۸۰ درصد پیش‌تولید با تصمیم سازندگان آن تعطیل شده‌اند. اعلام این خبرها باعث شد تا نمایندگان تشکل‌های صنفی عضو شورای‌عالی با تغییر دستور جلسه، درباره این گفت‌وگو کنند. به‌خصوص که بر اساس گزارش کمیته اقتصادی شورای‌عالی بیش از ۱۲۰ فیلم سینمایی که پروانه ساخت دریافت کرده‌اند، همچنان در مرحله پیش‌تولید متوقف شده‌اند. همکاران در شورای‌عالی تهیه‌کنندگان به این نکته توجه داشتند که چرا چهار تهیه‌کننده یا «تهیه‌کننده – کارگردان» حرفه‌ای بخش خصوصی، با وجود هزینه‌هایی که در پیش‌تولید داشته‌اند و قطعا رقم قابل‌توجهی را تشکیل می‌دهد، عملا از ساخت فیلم منصرف شده‌اند. به‌خصوص که سه نفر از این همکاران سابقه خوبی در تولید آثار حرفه‌ای، استاندارد و خوش‌ساخت سینمای کشور داشته‌اند. شورا بر اساس اطلاعات و مباحث مطرح‌شده در جلسه به این نتیجه رسید که عملا نگرانی به حق از عدم بازگشت سرمایه، دلیل اصلی این تصمیمات بوده است. چرا که از یک‌سو هزینه‌های تولید فیلم تا کپی صفر به‌دلایل متعدد تا ۴۰درصد افزایش یافته و از سوی دیگر، امکانات بازگشت سرمایه به‌شدت کاهش یافته است. به عبارت دیگر با افزایش هزینه تولید و کاهش امید بازگشت سرمایه، حرکت به سمت تولید توسط بخش خصوصی عملا نوعی انتحار حرفه‌ای است. تهیه‌کنندگان هیچ‌گونه امنیت شغلی در زمینه بازگشت سرمایه ندارند. در همین مورد توضیح داده شد که فیلم‌هایی که امکان اکران پیدا می‌کنند، باید نزدیک به ۸۰درصد سرمایه فیلم از طریق اکران تهران بازگردد؛ چرا که بازگشت سرمایه از شهرستان‌ها تقریبا به شکلی غیرقابل تصور کاهش یافته است. پیش از این حدود دو برابر اکران تهران از شهرستان‌ها بازگشت سرمایه داشته‌اند، اما در شرایط حاضر به جز دو، سه فیلم استثنایی، کمتر از ۲۰درصد فروش تهران از شهرستان‌ها بازمی‌گردد. اکران فیلم‌های خارجی با اثری از «تانی مورتی» آغاز می‌شود. فیلم خارجی «ما یک پاپ داریم» به کارگردانی «تانی مورتی» محصول سال ۲۰۱۱ ایتالیا پروانه نمایش صادر کرده است. این مساله در همین ابتدا با واکنش روبه‌رو شده به طوری که سخنگوی شورای صنفی نمایش تاکید کرد: «به فیلم‌های خارجی سرگروه سینمایی داده نمی‌شود و فقط در چند سینما اکران می‌شوند.» وی درباره اکران فیلم خارجی «ما یک پاپ داریم» در سینماها گفت: «برای اکران این فیلم باید درخواستی به شورای صنفی نمایش داده شود تا آن را بررسی کنیم.»

گزارش تصویری

نمایش موزیکال مردعنکبوتی در برادوی. این اثر توانست در این تعطیلات ۲/۰۷ میلیون دلار بفروشد.

«آزادی در مه» و «پابه‌پای آزادی» نام دو فیلم مستندی است که توسط ناصر صفاریان به بازار ویدیویی کشور عرضه شده و مانند کارهای پیشین او در کتاب‌فروشی‌ها به فروش می‌رسد.
«آزادی در مه» براساس زندگی کانسپسیون پیچیوتو، زن اسپانیایی که از سال ۱۹۸۱ در پیاده‌رو مقابل کاخ سفید زندگی می‌کند ساخته شده است.

متهمان دزدی چند تابلو نقاشی در دادگاهی آمریکایی طی اظهاراتی جالب توجه اعلام کردند، یکی از کارآگاهان سازمان فدرال آگاهی آمریکا (اف.بی.آی) خود دستور به ربودن مجموعه‌ای از تابلوهای نفیس، بروگل، مونه و سیسیلی را از موزه‌ای فرانسوی صادر کرده است. حال رابرت کی وینت من سربازرس بخش جنایی که شهرت و محبوبیت زیادی نیز دارد، از طرف هفت نفر شاهد و متهم هدف چنین اتهامی قرار گرفته.متهمان و سایر حاضران در دادگاه اعلام کردند نقشه اصلی سرقت از موزه هنرهای زیبای نیس که مسلحانه نیز بوده است، براساس طرح وینت شکل گرفته. مجموعه سرقت‌ها به ۲۲ میلیون یورو می‌رسد.البته هیچ خریداری که قانونی کار می‌کند، حاضر به خریدن این مجموعه نشد. حال با احضار این کارآگاه باید دید این رسوایی چگونه به پایان می‌رسد.

بدون شرح

کلبه کوچک من

رنگ (۹۳) و سپید سیاه(۹۴)

اردشیر خرمنکوب

■ رنگ: خلقت، با هنر آمیخته است. و هنر با خلق. شاید اولین بارقه هنر در خلقت، ظهور مقوله‌ای به اسم «رنگ» باشد. از اینکه رنگ را مقوله می‌دانم، خود می‌هراسم. رنگ یک «بی‌تعریف» بزرگ هستی است. برای رنگ هیچ تعریف شاخصی نمی‌توان یافت. همچنان که برای هنر. من رنگ قرمز را چگونه تعریف کنم؟ یا رنگ بنفش را. یا هر رنگی را. اما همین بی‌تعریف بزرگ، آن‌چنان به حیات و هستی نشاط افشانده است که حذف آن اگر چرخ هستی را از کار نیندازد، روح و طراوت و شادابی را از آن می‌گیرد. اگر همه گیاهان و سنگ‌ها و جانوران را رنگ نبود، حیات، چه سست می‌نمود. قبول دارم که حتی تصور حذف رنگ نیز، ناممکن است. ما نمی‌دانیم اگر رنگ نبود، به جای این همه رنگ، چه باید می‌بود. رنگ به‌جای خود، حذف یک ذره ناقابل از مکان بایسته‌اش‌ای بسا نظام عالم را در هم فرو برد. اما بی‌رنگی، این معمای بهت‌انگیز عالم معنا نیز نمی‌توانست جایگزین رنگ شود. شانه به شانه رنگ، «صدا» نیز در این بهت بزرگ، سهم دارد. مگر می‌شود قامت برافراشته صدا را نادیده گرفت؟ و حتی برای آن تعریفی یافت؟ اگر بر همه جا سکوت حکم می‌راند، دنیا را تحمل از کف می‌رفت. این روند بود و نبود پدیده‌ها را اگر در همین جا متوقف نکنیم، دامنه بحث تا قیام قیامت امتداد خواهد یافت. اجازه بدهیم هر پدیده سر جای خود قرار گیرد و به انجام رسالت خویش مشغول باشد. اما از میان همه رنگ‌ها، دو رنگ سفید و سیاه، چه شاخص و سرشار از تقابل‌اند. شاید هیچ دو رنگی همچون سفید و سیاه، از کنتراست غلیظی برخوردار نباشند. بسیار شنیده‌ایم و دیده‌ایم و خوانده‌ایم که صاحب‌نظران و اندیشمندان در همین حوالی و درباره طیف رنگ‌ها، به تضاد رنگ‌ها اشاره می‌کنند. من اما معتقدم در میان رنگ‌ها، هیچ تضادی وجود ندارد، بلکه آنچه که آنها را از هم متمایز می‌کند، تفاوت است. من حتی سفید و سیاه را که به لحاظ طیف رنگی شدیدا از هم فاصله دارند، دو رنگ متضاد نمی‌دانم. چرا که دو چیز متضاد، هرگز در هم فرو نمی‌شوند و به همزیستی نمی‌گرایند. و حال آنکه دو رنگ سفید و سیاه، آمیختگی‌های فراوانی دارند. پس این «تفاوت» است که ما معنایش را با «تضاد» آمیخته‌ایم.

■■■

اگر بتوانیم دو مقولاتی چون سرد و گرم و گرسنگی و سیری و خیر و شر را متضاد بنامیم، مابقی را باید متفاوت بدانیم. زن و مرد دو موجود متضاد نیستند، بلکه متفاوت‌اند. از آن روی اما همین دو موجود متفاوت، گاه، به غلظت غلیظی از اختلاف و ناشکیبایی درمی‌افتند که اعتنای محوری سخن مرا به چالش می‌کشند. پس، بیایید و با هم به همان اختلاف میان دو رنگ سفید و سیاه باز رویم. دریچه صدوششم سوره آل‌عمران را که بگشاییم، در همان ابتدا، به دو رنگ سفید و سیاه برمی‌خوریم. اما آنچه که این دو رنگ بر او نشسته‌اند، در و دیوار و آسمان و زمین نیست. چهره انسان است. در قیامت. و در محشر. «یوم تبیض وجوه و تسود وجوه = روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه می‌گردد.» البته من و شما نیک می‌دانیم منظور از سفیدی و سیاهی چهره‌ها، تجسم همین معنای متداولی است که در میان خود ما، همین امروز رایج است. و حتما صورتی که گویا با گچ سفید شده، یا با ذغال سیاه شده، منظور نیست. بلکه مراد از این تفاوت رنگ، تقسیم‌بندی مردمان، به تناسب اعمالی که در دنیا مرتکب شده‌اند، می‌باشد. با نگاه، به ادامه همین آیه و آیه بعدی، کاملا به این تناسب پی می‌بریم. که سپیدرویان، نیکبخت‌اند و سرانجامی نیکو دارند و روسیاهان، گرفتار و بدفرجامند. و عجبا که این سفیدی و سیاهی، رنگی نیست که خدا در قیامت برای تفکیک و شناسایی، به صورت آدم‌ها پاشیده باشد، بلکه این تجلی اعمال آدمیان است که در چهره‌ها، سفید یا سیاه می‌نماید. با قبول این معنا، می‌توانیم پای به وادی تازه‌تری بگذاریم. و آن اینکه: شاید مراد از سفیدی و سیاهی چهره‌ها، نور و کدورت موجود در چهره‌ها باشد. با تسری این معنا، به دامنه وسیعی از معانی ژرف متصل می‌شویم. اینکه تجلی یک عمل خیر، نور است و نه رنگ سفید. و به همین نسبت، تجلی یک عمل شر، کدورت است و نه رنگ سیاه. در عین حال که می‌دانیم عرصه محشر، عرصه جابه‌جایی «جسم» نیست، با این همه من به میلیاردها زن و مرد سیاه‌پوست حق می‌دهم که نگران چهره سیاه خود باشند تا مبادا در آن غوغای درهم‌پیچ، در ردیف روسیاهان جا بگیرند. اینجاست که کدورت ناشی از اعمال ناپسند، به ورطه دیگری از جلوه‌گری و رنگ درمی‌افتد. بسا ببینیم یک چهره از شدت آلودگی و گناه، سیاه است، اما این سیاهی، ربطی به رنگ ذغال ندارد. و ببینیم چهره فردی به‌خاطر درستکاری‌اش، به سپیدی می‌گراید، اما این سپیدی کجا و رنگ گچ کجا؟ اگر همین معنا را ملاک تشخیص آدمیان قرار دهیم، مردان و زنان سیاه‌پوست و شریف را به‌راحتی از مخمصه کج‌فهمی خود به‌در برده‌ایم. در آن غوغا، گویا مردان و زنان سیاه‌پوستی را می‌بینیم که اعمال پسندیده‌شان، چهره آنان را منور و خواستنی ساخته و دیگرانی را که اعمال ناپسندشان، کدورت غلیظی بر صورت‌شان نشانده است. آیات بیست‌وششم و بیست‌وهفتم سوره یونس، کاملا به کیفیت این دو رنگ سپید و سیاه پرداخته‌اند. درباره چهره انسان‌های درستکار: «... و لایرهق وجوههم قتر و لا ذله = تاریکی و ذلت چهره‌هایشان را نمی‌پوشاند.» و درباره کسانی که در دنیا به زشتی روی برده‌اند: «... کانما اغشیت وجوههم قطعا من اللیل مظلما = گویی با پاره‌هایی از شب، صورت آنها پوشیده شده است.» آیا از قرآن، اعجاز و بهتی بالاتر از این می‌توان انتظار داشت؟ به شکوه گزینش واژگان دقت کنید: «قتر و لا ذله = نه تاریکی و نه ذلت.» و یا: «قطعا من اللیل مظلما = پاره‌هایی از شب تاریک.» این دو معنی آشکار، به سادگی ما را از بند سپیدی و سیاهی صرف چهره‌ها، می‌رهاند و به ذات تجلی اعمال راه می‌دهد.

ادامه دارد